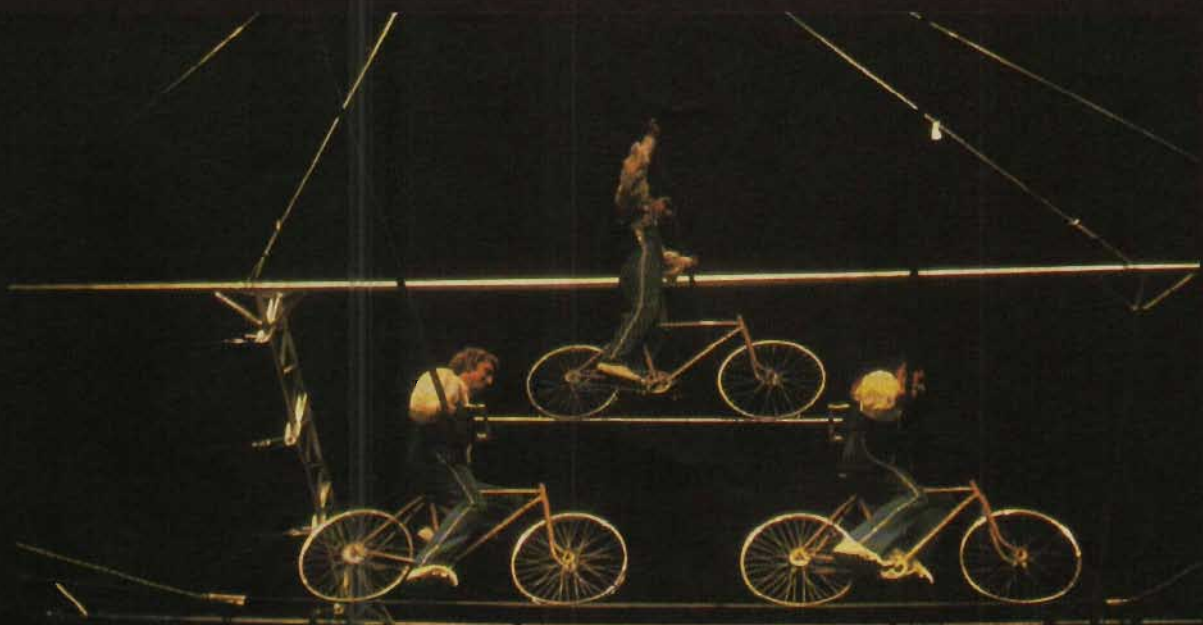


پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی




دو عالم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



زمستان سال گذشته، آناتولی مارچفسکی دلنک اهل شوروی، طی سفر خود به فرانسه به همراه سیرک مسکو، مصاحبه‌ای با پیام یونسکو به عمل آورد، مارچفسکی (متولد ۱۹۴۸) که آکروبات باز ماهری هم هست هنرمند چند نقشی با استعدادی است که فعالیتهايش در عرصه هنر، از کارگردانی سینما تا نویسندگی برای بچه‌ها را در برمی‌گیرد.

حرفه خندانان

گفتگویی با آناتولی مارچفسکی

آیا از زمان بچگی آرزوی دلنک شدن داشتید؟
حتی از قبل از بچگی هم این آرزو را داشتم!

چطور شد که فکر دلنک شدن توجه شما را جلب کرد؟
چون یکی از انسانی‌ترین حرفه‌های روی زمین است. دلنک تجسم خنده است. اما این خنده از آن نوعی است که شأن انسان را تحقیر نمی‌کند. هیچ دلنکی موقعی که مردم را می‌خندانند شأن خود را از دست نمی‌دهد. مردم او را هم‌تراز خود می‌بینند و بعضی اوقات با او احساس وحدت می‌کنند. او قهرمان نمایشها شده است.

وقتی از تماشاگران حرف می‌زنی، منظورت عمدتاً بچه‌هاست؟
بچه‌ها صمیمی‌ترین و بی‌ریزترین تماشاگران‌اند. از طریق آنها می‌توانی کیفیت هر کار را مورد سنجش قرار دهی و راه و رسم کارت را بیازمایی. اما آدم بزرگها براساس پیشداوریهای خود از جهان عکس‌العمل نشان می‌دهند.

تو یک دماغ سرخ بزرگ نداری، لباس عجیب و غریبی هم به تن نمی‌کنی. حتی آرایش هم به چهره‌ات دیده نمی‌شود. نوع دلنکی را که بازی می‌کنی چگونه تصویر می‌کنی؟
در اتحاد شوروی دلنک امروزی چنین شناخته می‌شود، برای اینکه با چهره‌های کلاسیک با صورت‌های سفید شده و آرایش به مدل قدیم قاطعی نشود. برای ما دلنک اولین و برترین هنرمندی است که به صحنه می‌آید تا شخصیت خود را به مردم نشان دهد. او یک شخصیت خیالی را تصویر نمی‌کند. او یک تیپ سنتی هم نیست. او خود واقعی خود را به صحنه می‌آورد، انسان منفردی که هست و از پشت آرایش چهره خود را نشان می‌دهد.

آیا طبق تعریفی که کردی، دلنک امروزی خیلی با دلنک سنتی فرق دارد؟

بله، هر کدام روانشناسی و حس طنز خود را دارند. دلنک سنتی نمونه‌ای اعلای شخصیتی است که هیچ کار او درست پیش نمی‌رود؛ او بسنده یک دیکتاتور مآب سفید رو، روشنفکر و دارای ذهنی نسبتاً بسته است. اما من نمی‌خواهم این نقش را به شکل کلاسیک آن ایفا کنم. من صورت ظاهری، صورتک، مهربانی و عشق به بدجنسی‌اش را حفظ می‌کنم، اما ابتکارات خود را نیز به آن می‌افزایم. مایلم ترکیبی از هنر امروزی و کلاسیک دلنک‌بازی ارائه کنم. شگرد اصلی من شاید مثل دلنک‌های کلاسیک اجرا شود، اما آنگاه از ابداعات خودم است. اگر نقش یک دلنک امروزی را بازی کنم، این خودم هستم، مارچفسکی، بدون هرگونه تغییر قیافه، اما وقتی در قالب یک دلنک کلاسیک فرو می‌روم، اوست که بازی می‌کند نه مارچفسکی.

تصویر رنگی روبرو

سرگئی ایگناتف با یازده حلقه که رکوردی جهانی است برنامه اجرا می‌کند.

آیا همیشه دلنک خواهی ماند؟

بله، چون همیشه می‌خواهم انسان باشم. از نظر من بسین دلنک و انسان بودن هیچ تفاوتی نیست. من که اینک با شما حرف می‌زنم، همانی هستم که در سیرک بازی می‌کنم.

چطور شد که دلنک حرفه‌ای شدی؟

تصادفی بود. هیچ سیرک بزرگی به شهر کوچکی در اکرین که من در آن متولد شدم نمی‌آید. هجده ساله بودم که برای اولین بار به یک سیرک بزرگ رفتم، ولی وقتی در مدرسه درس می‌خواندم، بازیگر آماتور سیرک بودم. شور و اشتیاقم به این کار بود. در ابتدا به عنوان آکروبات باز و دوچرخه سوار ظاهر شدم. اما در همان حال مشغول آماده سازی برای نامنویسی در یک هنرستان فنی بودم. تا اینکه روزی فرارسید که به جای دلنکی که نمی‌توانست به سفر برود نامنویسی کردم...

بعد چه شد؟

در حالی که مردم می‌خندیدند چشمانشان را می‌دیدم و صدای خنده و تشویق آنها را می‌شنیدم. مقاومت در برابر آن امکان‌ناپذیر بود. درست مثل حسالتی است که یک داستان خنده‌دار بلندی و خیلی دلت می‌خواهد که آن را برای مردم تعریف کنی. وقتی تعریفش می‌کنی از خنده ریسه می‌روی، ولی هرچه برای آدم‌های بیشتری تعریف می‌کنی، بیشتر لذت می‌بری. همین نیاز به مشارکت، به خندانیدن مردم، به وادار کردن آنها برای نشان دادن واکنش، به گرمی بخشیدن به آنهاست که انگیزه کارم شده است. این شد که تصمیم گرفتم یک دلنک حرفه‌ای بشوم.

آیا این مواجهه با مردم همیشه حیاتی است؟

الته. واکنش تماشاگر در هر شهر و کشوری متفاوت است. متوسط بین تماشاگران هر شب متفاوت است و این تفاوت بر ماهیت نمایش اثر می‌کند. ما به این قضیه عادت داریم، این یک روند عادی است. با تماشاگری علاقمند به سیرک این تجربه بر دلم می‌شود؛ درست مثل دو نفر که خیلی صریح و راحت با هم گفتگو می‌کنند؛ هر بازیگری که روی صحنه می‌رود، هر آدمی در زندگی روزمره، همیشه به طریقی در پی برقراری ارتباط است. خب، من این هنر را برای عرضه دارم؛ می‌دانم چگونه ارائه‌اش کنم و در مقابل بقیه نیز پذیرنده‌ام. و این راه و رسمی است که می‌خواهم به سیاق آن زندگی کنم. ■

عکسهای متوالی این صفحه از برنامه سیرک مسکو در فرانسه (۱۹۸۷ - ۱۹۸۶) گرفته شده است و آناتولی مارچفسکی دلنک را نشان می‌دهد که به زیبایی تمام حرکت ابداعی والتین دیکول را اجرا می‌کند. دیکول مرد تنومندی است که وزنه‌های از ۵۰ کیلو تا ۵۰۰ کیلویی را مثل پر روی دست بلند می‌کند. مارچفسکی بعد از اینکه به دستانش بود تالک می‌زند تا به میله بهتر بچسبند، می‌کوشد وزنه‌ای را که از یک تکه چوب و دو بادکنک درست شده است روی دست بلند کند. او برای انجام این حرکت از یکی از شگردهای قدیمی الهام می‌گیرد.

